

مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

سال پنجم، شماره یازدهم، تابستان ۱۳۹۸، ۱۱۳-۱۴۲

## تحلیل عملکرد دیپلماسی اقتصادی و دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه در شرایط تحریم اقتصادی

سیدعلی مرتضوی امامی زواره<sup>۱</sup>

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر تحلیل عملکرد دیپلماسی اقتصادی و دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه در شرایط تحریم اقتصادی است. دیپلماسی فرهنگی در روابط بین‌المللی معاصر یکی از ابزارهای مؤثر در حمایت از اهداف ملی و سیاست خارجی کشورها و تأثیر بر افکار عمومی و دولت‌های سایر کشورها می‌باشد. اتخاذ دیپلماسی فرهنگی توسط ایران و کشورهای خاورمیانه و انجام فعالیت‌های فرهنگی به منظور حفظ و توسعه روابط فی‌مابین در شرایط ناشی از تحریم‌های هسته‌ای ایران، نمایانگر اهمیت روابط فرهنگی در زمانی است که روابط سیاسی و اقتصادی دچار نقصان می‌شود. جمهوری اسلامی ایران نیز به منظور تحقق اهداف توسعه اقتصادی خود در این شرایط تحریم نیازمند بهره‌گیری از امکانات و ظرفیت‌های فرهنگی خود در عرصه تعاملات با کشورهای منطقه و ابزارهای سیاست خارجی است. لذا کشور ایران و کشورهای دوست در منطقه برای پیشبرد اهداف توسعه ملی و امنیت منطقه‌ای با اتخاذ دیپلماسی فرهنگی در دوران تحریم، سعی در تلطیف فضای منفی ایجاد شده از طریق تعامل سازنده با این کشورها و همگرایی اقتصادی با کشورهای منطقه و بازارهای هدف می‌باشد. همچنین تداوم برنامه‌محور تنش‌زدایی در سیاست خارجی، تشکیل ستاد مرکزی دیپلماسی اقتصادی برای تنظیم دستور کارها و تعیین دقیق مسئولیت نهادهای دخیل و حذف ستادهای موزای و ناکارآمد و تقویت اقتصاد تولیدی و غیر نفتی و تسری آن به بخش‌های منطقه‌ای می‌تواند در ایجاد روابط فرهنگی و رفع چالش‌های فرا روی دیپلماسی اقتصادی مفید به فایده باشد.

کلید واژه: دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی اقتصادی، تحریم اقتصادی، تحلیل عملکرد.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی سیاسی از دانشگاه اصفهان

## مقدمه:

در دهه‌های اخیر روابط فرهنگی بین‌المللی از جمله مسائل مهم حکومت‌ها، دولت‌ها و سازمان‌های فرهنگی منطقه‌ای و بین‌المللی شده است. اینکه سیاستگذاران یا کارگزاران این حوزه فرهنگی چگونه هدف‌گذاری و تصمیم‌گیری می‌کنند، پیش از آنکه به عوامل خارجی وابسته باشد، تابع متغیرهای داخلی است. در حقیقت این اهداف، ساختارها، راهبردها و جهت‌گیری‌های یک کشور است که نوع و مدل روابط فرهنگی آن کشور را تعیین می‌کند. نه عوامل خارجی، سیاست‌ها و اقدامات کشور دیگر. به عبارت دیگر روابط فرهنگی پیوندهایی است که میان انسان‌ها در حوزه‌های ملی و فرهنگی به وجود می‌آید که تحت تأثیر شرایط اجتماعی و دیپلماسی فرهنگی است (ازدري و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۸). دیپلماسی فرهنگی به عنوان شکلی از قدرت نرم می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. همچنین دیپلماسی فرهنگی زمینه مبادلات فرهنگی را فراهم می‌آورد و این مبادلات به نوبه خود از یک سو به تقویت مشترکات می‌پردازد و از سوی دیگر در جایی که تفاوت وجود دارد، زمینه درک انگیزه‌ها را فراهم می‌کند. اما از آنجا که در سال‌های پس از انقلاب تحریم‌های اقتصادی علیه ایران شدت یافت و با تسخیر سفارت آمریکا در ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸ روند جدیدی در تحریم ایران شکل یافت و ایران به طور رسمی با تحریم‌های تجاری و اقتصادی مواجه شد همچنین در سال‌های اخیر به دنبال بهانه غنی‌سازی اورانیوم و جریان انرژی هسته‌ای، آمریکا توانست متحدانی بین سایر کشورهای اروپایی برای تحریم‌های مالی و تجاری علیه ایران پیدا کند و شدت تحریم‌های گذشته را نیز افزایش دهد. همین امر باعث شد تا در داخل، مشکلات اخیر اقتصادی، ناشی از تحریم‌های اقتصادی دانسته شود (فدائی و درخشان، ۱۳۹۳: ۱۱۴)، لذا با توجه به شرایط و وضعیت خاص سیاسی و اقتصادی کشور و نگاه منفی به ایران که زاییده همین نظام سلطه جهانی است، کشور را در عرصه‌های جهانی و منطقه‌ای با چالش مواجه کرده است. اگرچه ایران در مقام یکی از کشورهای مهم خاورمیانه دارای اشتراک‌های فراوانی با دیگر کشورهای

این منطقه است اما در روابط و تعامل‌های فرهنگی با این کشورها اکنون با چالش تأثیر تحریم‌ها بر روابط بین کشورهای منطقه با ایران روبروست. پرسش مورد بررسی در این پژوهش این است که ویژگی‌ها و عملکرد فرهنگی ایران در طی سال‌های تحریم چگونه بوده است؟ آیا دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ا در شرایط تحریم یک دیپلماسی فعال بوده است؟ با توجه به آنچه گفته شد این مقاله سعی دارد با رویکرد مطالعه کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی در حد وسع خود به تحلیل عملکرد دیپلماسی اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در شرایط تحریم اقتصادی بپردازد.

### علل اتخاذ تحریم‌ها بر علیه ایران و انواع آن

درباره علل اعمال تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران تفسیرهای متفاوتی ارائه شده است، اما نگاه اجمالی به بیانات و دیدگاه‌های رسمی افرادی که در شکل‌گیری تحریم‌ها تأثیر داشته‌اند، بیانگر آن است که آمریکا دلیل تحریم ایران را رفتار این کشور ذکر می‌کند. از دیدگاه آنان، ایران کشوری تروریست بوده و در پی دستیابی به سلاح هسته‌ای است، رفتار تعارضی دارد و با صلح خاورمیانه مخالف است و در کل با شیوه و قوانین بین‌المللی همراهی نمی‌کند. امروز عملکرد کشورهای جهان و بررسی سابقه تحریم‌ها نشان می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی، ابزار سیاسی مهم و معمولاً تأثیرگذار در دست کشورهای قدرتمند جهان بوده و آمریکا نیز همواره یکی از مجریان و طرفداران تحریم‌های اقتصادی و سیاسی برای دستیابی به اهداف مورد نظر در سیاست خود بوده است. در دستورالعمل ریاست جمهوری آمریکا به شماره ۱۲۹۵۷ مورخ ۱۸ مارس ۱۹۹۵ علت تحریم ایران عبارت است از تهدید فوق العاده‌ای که از جانب ایران متوجه امنیت ملی، سیاست خارجی و اقتصاد ایالات متحده آمریکا گردیده است (وصالی و ترابی، ۱۳۸۹: ۳۸).

به‌طور خلاصه، دلایل و اهداف وضع تحریم را می‌توان به صورت ذیل ارائه نمود (علیخانی، ۱۳۸۰):

- تمایل به تأثیرگذاری در سیاست‌ها یا حتی ایجاد تغییر در نظام سیاسی یک کشور؛
- تنبیه و مجازات یک کشور به دلیل سیاست‌های آن کشور؛
- ایجاد بی‌ثباتی در کشور هدف؛ بیشتر به قصد ایجاد تغییر در نظام سیاسی آن کشور؛
- ارتقای حقوق بشر، مقابله با تروریسم و جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی؛
- به کشور تحریم شده نشان داده شود که کشور تحریم کننده اقدامات آن کشور را تقبیح می‌کند؛
- برحذر داشتن کشور تحریم شده از تعقیب برخی سیاست‌های ناخوشایند در آینده (بازدارندگی)؛

- کاهش توان نظامی کشور هدف ( میراحمدی، رشیدی، ۱۳۹۳: ۳۱).

در واقع تحریم‌ها علیه ایران پس از انقلاب اسلامی توسط امریکا اعمال می‌شد. اما پس از گشودن پلمپ‌های غنی سازی اورانیوم در سال ۸۴، سری جدید از تحریم‌های امریکا علیه ایران وضع شد. شدیدترین تحریم‌ها از ابتدای سال ۱۳۸۸ علیه ایران اعمال شد. تحریم‌ها از نظر وضع کنندگان به ۳ دسته تقسیم می‌شوند. تحریم‌های سازمان ملل، تحریم‌های اتحادیه اروپا و تحریم‌های یک جانبه که وجه غالب آن مربوط به امریکا است. کشورهای دیگری مانند هند، چین، روسیه، کره جنوبی، آفریقای جنوبی، ترکیه و برخی دیگر از کشورها از ترس مجازات امریکا به تحریم ایران مبادرت ورزیدند. البته نمی‌توان از تحریم‌های کنگره امریکا نیز به سادگی چشم‌پوشی کرد چرا که سخت‌ترین بخش تحریم‌ها از لحاظ پیچیدگی قانونی و لغو، مربوط به این بخش است.

لیستی از مهم‌ترین تحریم‌های وضع شده به صورت زیر می‌باشد:

محدودیت انتقال پول و منابع مالی و ارز؛ همکاری‌ها و مراودات بانکی با ایران؛ ممنوعیت بیمه‌های بازرگانی و زیست محیطی؛ تحریم خدمات ارسال پیام‌های مالی؛ تحریم اعطای حمایت‌های مالی و اعطای اعتبارات و تضمین‌های مالی در تجارت با ایران؛ تحریم اعطای وام، کمک‌های مالی و کمک‌های ترجیحی به دولت و نهادهای مالی ایرانی؛ تحریم معامله طلا، الماس و فلزات گرانبها؛ تحریم واردات نفت و گاز از ایران و ضرورت کاهش تدریجی و پلکانی واردات نفت ایران از سوی چند کشور باقی‌مانده خریدار نفت ایران؛ ممنوعیت واردات محصولات پتروشیمی؛ تحریم صادرات تجهیزات کلیدی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی؛ ممنوعیت سرمایه‌گذاری در صنایع و بخش‌های نفتی، گاز و پتروشیمی؛ تحریم‌های مرتبط با کشتیرانی و کشتی‌سازی؛ تحریم ترابری و همچنین نقل و انتقال نفت؛ تحریم ریال؛ تحریم‌های انتقال تکنولوژیکی؛ ممنوعیت نقل و انتقال عایدات صادراتی و تجاری از خارج به ایران؛ تحریم صادرات قطعات آماده اتومبیل به ایران؛ ممنوعیت صدور گواهینامه ایمنی هوایی از سوی شرکت‌های سازنده هواپیما و تحریم تعمیر هواپیما و قطعات هواپیماهای ایران. تحریم علیه نهادها: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ بانک‌های متعدد دیگر مثل مثل سپه، صادرات، ملت، مسکن، ملی، رفاه کارگران، تجارت، کشاورزی، دی، انصار و...؛ هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (ایران ایر)؛ وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و نهادهای وابسته؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهادهای وابسته؛ کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران؛ شرکت بازرگانی پتروشیمی؛ سازمان انرژی اتمی و سازمان‌های تابعه بوده‌است (سادات‌اخوی و حسینی، ۱۳۹۶: ۴۱).

در ابتدای بحث قبل از آن‌که خاطر نشان شود دیپلماسی فرهنگی چه بود؟ جایگاه قدرت نرم در دیپلماسی فرهنگی و مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ به بیان چند مورد پیشینه پژوهشی همراستا با مقاله حاضر می‌پردازیم:

دهشیری (۱۳۹۳) در کتاب خود با عنوان دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران، علاوه بر معرفی مفهوم دیپلماسی فرهنگی، اهداف و ابزارهای ج.ا.ایران برای حضور در این عرصه را نیز از دیدگاه خود نمایان می‌سازد در یک گفتار از این کتاب نویسنده دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران در قبال کشورهای منطقه مورد واکاوی قرار داده و نهایتاً در فصل پنجم و پایانی، فرصت‌ها، مشکلات، چالش‌ها و الزامات دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران را معرفی می‌کند.

دهقانی فیروزآبادی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان مؤلفه‌های کلیدی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، استدلال کرده‌اند آنچه باید در دستور کار دیپلماسی فرهنگی و تحقق سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گیرد، استفاده حداکثری از ابزارها و روش‌های دیپلماسی فرهنگی اعم از عوامل انسانی متخصص رسمی و غیررسمی و همچنین ابزارها و روش‌های ابزاری فرهنگی چون محصولات دیداری- شنیداری در عرصه‌های عینی و سایبری در مبادلات و دیپلماسی فرهنگی است.

لیدرمن و همکاران (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان بررسی ابعاد تحریم اقتصادی علیه ایران از سوی کشورها و نهادهای بین‌المللی معتقد است تحریم‌ها از مسیر کانال‌هایی نظیر قرارداد کشتی‌ها، قرارداد بیمه و نهادهای مالی بر کسب و کار در ایران تأثیر معناداری می‌گذارد و در نهایت تجارت خارجی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کاتزمن (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان تحریم‌های ایران؛ تأثیر تحریم اقتصادی بر بخش نفت و سرمایه‌گذاری معتقد است؛ تحریم در سه دهه گذشته تأثیر بالایی بر تولید و سرمایه‌گذاری خصوصاً در بخش نفت در ایران گذاشته است.

### جایگاه قدرت نرم در دیپلماسی فرهنگی

قدرت از موضوعاتی است که همواره مورد توجه دولت‌ها بوده است و دولت‌ها برای این که بتوانند بر دیگر بازیگران در عرصه روابط بین‌الملل اثر بگذارند، به گونه‌ای که سیاست‌های

آن‌ها را تغییر دهند و به اهداف و منافع خود دست یابند، به نقش قدرت توجه ویژه‌ای داشته‌اند. در گذشته، دولت‌ها برای بدست آوردن اهداف خود به اعمال قدرت سخت<sup>۱</sup> در قالب توانایی‌های نظامی و اقتصادی مبادرت می‌ورزیدند. قدرت سخت در کاربرد ابزارهای نظامی، به کار بردن زور، بازدارندگی، تهدید و ارعاب، جنگ و سیاست زورمدارانه جلوه می‌کند و همچنین در اعمال قدرت اقتصادی، فشار مالی، تحریم‌های اقتصادی، رشوه دادن، کمک‌های مالی، تشویق و تهدیدهای اقتصادی خود را نشان می‌دهد (هرسیچ، ۱۳۹۱: ۸۱). اما امروزه، با توجه به انقلاب ارتباطات و همچنین اهمیت یافتن بازیگران غیردولتی و نقش افکار عمومی در سیاست بین‌الملل، به کارگیری قدرت سخت، هزینه‌های زیادی را در پی دارد. بنابراین دولت‌ها می‌کوشند در سیاست خارجی خود، از قدرت نرم<sup>۲</sup> به منظور مقبولیت و پذیرش هر چه بیشتر و همچنین کاهش هزینه‌ها به واسطه مقاومت کمتر دیگران، استفاده کنند.

به هر حال، قدرت نرم، توانایی دستیابی به اهداف و آمل‌های مطلوب از طریق جلب حمایت افکار عمومی جامعه بین‌الملل و نخبگان جهانی و اقناع اذهان و افکار عمومی بین‌المللی به جای اعمال فشار است. این بعد متأخر از قدرت، از منابع فرهنگ، عقاید و باورها و آداب و سنن اجتماعی نشأت می‌گیرد، که نتیجه پیشرفت چشمگیر فناوری اطلاعات در دوران جدید است که به رشد روزافزون ارتباطات منجر شده و مرزهای جغرافیایی را درنوردیده است. باید گفت امروزه این قدرت نقش مهمی در عرصه روابط بین‌الملل و مانور واحدهای سیاسی یافته است (نای، ۲۰۰۷: ۱۵۴). سیاست خارجی یک کشور دارای ارکان مشخص سه گانه است: سیاسی، اقتصادی و امنیتی. از سال‌ها پیش دولت‌ها برای نیل به منافع ملی خویش در عرصه بین‌الملل به استفاده از قدرت سخت با توجه به ارکان سه گانه فوق می‌پرداختند، اما

---

<sup>۱</sup>. Hard power

<sup>۲</sup>. Soft Power

از نیمه دوم قرن بیستم به بعد دولت‌ها به رکن دیگری در عرصه سیاست خارجی به نام فرهنگ پی برده‌اند. «جی ام میچل»<sup>۱</sup> نویسنده و متفکر انگلیسی در کتاب روابط فرهنگی بین المللی، به تبیین دیدگاه خود و نشان دادن نقش پر اهمیت فرهنگ در روابط بین‌الملل پرداخته است. از دیدگاه او، امور فرهنگی از جمله مسائلی است که فراتر از دیپلماسی سیاسی جاری هستند (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

به باور بسیاری از اندیشمندان و صاحب نظران علم روابط بین‌الملل، « فرهنگ و مؤلفه‌های فرهنگی » که از آن به قدرت نرم تعبیر می‌شود، رکن چهارم سیاست خارجی را تشکیل می‌دهند که در بسیاری از مواقع از لایه‌های زیرین سه حوزه دیگر محسوب می‌گردد و استفاده از این ابزار کمترین حساسیت و بیشترین تأثیرگذاری را در حیطه بین‌الملل داراست. لذا بازیگران بسیاری در این حوزه در سطح بین‌الملل به فعالیت می‌پردازند که هر کدام با رویکردی خاص در صدد نفوذ فرهنگی و به تبع آن تأثیرگذاری بر دیگر ملل جهان هستند. در این میان، قدرت نرم با صفت یا خصیصه جاذبه و کششی که در آن نهفته است، می‌تواند به عنوان مزیت نسبی کشورهایی چون جمهوری اسلامی ایران مورد امعان نظر قرار گیرد. انقلاب اسلامی بر اساس شعارهای استعمارزدایی و استقلال‌طلبی قادر بوده است منافع قدرت‌ها را در مناطق مختلف جهان تهدید کند. لذا دشمنان ایران تمام ابزارها و قدرت خود را به کار گرفتند تا از ایران، انقلاب اسلامی و اسلام تصویر و چهره‌ای منفی در اذهان جهانی بسازند.

شایان ذکر است که دستگاه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سیاست خود را در خارج از کشور بر اساس اصل احترام متقابل و تعامل مؤثر و سازنده قرار داده و تلاش می‌کند تا انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، دستاوردهای آن و آموزه‌های اسلام ناب محمدی را به جهانیان معرفی نماید. فرهنگ و تمدن ایران اسلامی با توجه به برخوردارگی از سهمی عمده

1. J. M. Mitchel



در شکوفایی فرهنگ جهانی قابلیت این را دارد که همگرایی ملت‌های منطقه را در زمینه‌های فرهنگی افزایش دهد. دستگاه دیپلماسی فرهنگی ایران تلاش می‌کند تا ضمن زدودن هراسی که دشمنان ایران از انقلاب اسلامی در جهان ایجاد می‌کنند، تصویری صحیح از فرهنگ ایران و دستاوردهای انقلاب اسلامی در خارج از کشور بسازد. در واقع، قدرت نرم ایران را می‌توان ناشی از حقانیت پیام معنوی و اهداف آرمانی انقلاب اسلامی دانست که دل‌های ملت‌های جهان از شرق تا غرب تشنه آن است؛ به ویژه آنکه قلمروی فرهنگ و تمدن ایران بسیار فراتر از مرزهای جغرافیایی امروز است (دهشیری، ۱۳۹۳: ۱۶۶-۱۶۸).

### عملکرد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور مهم و دارای سابقه تمدنی و فرهنگی در منطقه خاورمیانه از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالقوه‌ای برای نفوذ فرهنگی و ارائه یک تصویر مطلوب از خود در منطقه خاورمیانه برخوردار است. روحیه و فرهنگ ایرانی در استمرار حیات دیرپای خویش، آموزش دهنده‌ی فرهنگ‌های مختلفی چون اعراب، مغول‌ها و ترک‌ها بوده است. انعطاف‌پذیری و نرمش فرهنگ ایرانی، از آغاز شکل‌گیری، دیواری میان حوزه‌ی فرهنگی خود و حوزه‌ی فرهنگی اقوام دیگر نکشیده، بلکه یکی از رسالت‌ها و کارکردهایش، فروریختن دیوارهای جداکننده‌ی فرهنگ بشری و درآمیختن و تلفیق فرهنگ‌های دیگر بوده است. قرابت فرهنگی و مذهبی مردم کشورهای خاورمیانه، وجود اقوام و زبان‌های مشترک بین مردم، قرابت تاریخی و زندگی مشترک گذشته و مهاجرت‌های زیاد مردم این منطقه به کشورهای یکدیگر، اهمیت دیپلماسی فرهنگی و لزوم به کارگیری نوع کارآمد آن را در منطقه برای ایران دو چندان کرده است (بصیری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۶). توجه بیش از پیش مقامات ایرانی به اهمیت دیپلماسی فرهنگی از سال ۲۰۰۲ به بعد و در دوران تحریم است. از سال ۲۰۰۲، وقوع مسائلی چون افزایش حساسیت کشورهای غربی نسبت به برنامه هسته‌ای ایران،

اعمال تحریم‌های همه‌جانبه و ایجاد فضای منفی بین‌المللی و در نهایت تحت الشعاع قرار گرفتن روابط ایران با سایر کشورهای منطقه، مقامات مسئول را برآن داشته تا با اتخاذ هرچه بیش‌تر سیاست‌های فرهنگی، فضای منفی موجود را تلطیف و تصویر نادرست ترسیم شده از ایران را اصلاح نمایند. تا از این طریق بتوانند روابط خود با سایر کشورها را حفظ کرده و آن را توسعه دهند (عراقچی و جنتی‌محب، ۱۳۹۶: ۳۲). دیپلماسی فرهنگی ایران از سال ۲۰۰۱-۲۰۰۶ که مصادف با دوره حاکمیت اصلاح‌طلبان بر قوه مجریه است تقریباً خالی از تنش آفرینی در منطقه می‌باشد سیاست فرهنگی گفتگوی تمدن‌ها مبتنی بر روابط محترمانه متقابل کشورها با یکدیگر بود که در صدد اثبات حقانیت خود و نفی حقانیت دیگری نبود. در این دوره «با توجه با اتخاذ سیاست‌هایی چون تنش زدایی، اعتمادسازی، گفتگو تمدن‌ها و تأکید دولت اصلاحات بر دیپلماسی فرهنگی در روابط با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بویژه عربستان سعودی، روابط دو جانبه گسترش یافت» (محمدزاده‌میری، ۱۳۸۴: ۲۰۰). با تغییر رویکرد جمهوری اسلامی در دیپلماسی فرهنگی نیز تغییر کرد. به عنوان مثال؛ «رویکرد جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تنوع فرهنگی، رویکردی جزر و مدی است. ایران در جریان تصویب اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی و نیز نشست ۲۰۰۳ یونسکو در خصوص ضرورت تدوین سندی الزام‌آور بر مبنای اعلامیه و نیز نشست ۲۰۰۵ به عنوان بازیگری موافق ظاهر شد. علاوه بر این در اجلاس وزرای عدم تعهد پیرامون حقوق بشر و تنوع فرهنگی (تهران، سپتامبر ۲۰۰۷) اعتقاد خود را به ضرورت پاسداشت تنوع فرهنگ‌ها به عنوان «میراث فرهنگی بشری» و به منظور جلوگیری از یکدست سازی فرهنگی ناش از فرایند جهانی شدن اعلام کرد. اما پس از گذشت شش سال از تصویب (اکتبر ۲۰۰۵) و چهار سال از اجرایی شدن کنوانسیون (مارس ۲۰۰۷)، از پیوستن با آن خودداری کرد (حاجیانی و ایرانشاهی، ۱۳۹۳: ۴۴). در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه، رویه‌ای خلاف گذشته را پیشه خود ساخت. البته باید توجه داشت که به طور کلی، موازی کاری و ناهماهنگی

سازمان‌های مختلف در این زمینه یکی از ضعف‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی است ولی آنچه مسلم است، ایران در بین سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۶ سعی در نفوذ رقابت طلبانه در منطقه داشته است. یکی از اهداف اساسی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر، خنثی کردن دیپلماسی فرهنگی کشورهای رقیب و کشورهایی است که با اسلام‌هراسی، ایران‌هراسی، برجسته کردن و خطرناک جلوه دادن گسترش نفوذ شیعیان در منطقه، سعی در مخدوش نمودن چهره جمهوری اسلامی داشته‌اند. دلیل اصلی ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در منطقه، تحولات عراق، لبنان و سیاست‌های ایران در این کشورها است که موجب سیاسی و امنیتی شدن فرهنگ، هویت ایرانی و شیعی شده است که کشورهای منطقه، این فرهنگ و هویت را تهدیدی امنیتی برای خویش می‌دانند، «به گونه‌ای که بسیاری از کشورها، تعریف تلقی امنیتی از فعالیت‌ها فرهنگی جمهوری اسلامی دارند» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۷).

### عملکرد دیپلماسی فرهنگی ایران در خاورمیانه

خاورمیانه متشکل از کشورهای بحرین، مصر، ترکیه، عراق، اسرائیل، اردن، کویت، لبنان، عمان، قطر، عربستان سعودی، ایران، سوریه، امارات متحده عربی، یمن و فلسطین است و کشورهای مغرب اسلامی همچون الجزایر، لیبی، تونس و مراکش نیز به لحاظ پیوندهای قومی تاریخی مذهبی و فرهنگی بخشی از خاورمیانه به شمار می‌آیند (کوشکی و ناظم‌پور، ۱۳۸۹: ۱۵۵). خاورمیانه دراری ویژگی‌های یگانه و شاخصی است که نظیر آن در کمتر منطقه‌ای از جهان می‌توان یافت. در این منطقه شش نژاد گوناگون در کنار هم زندگی می‌کنند. این منطقه مهد تمدن و محل ظهور ادیان بزرگ الهی (اسلام، مسیحیت و یهودیت) است. خاورمیانه گستره نفوذ فرهنگ و تمدن ایران بوده و هست و چنانچه با درایت و سازماندهی بیشتری این نکته در معادلات سیاسی دیپلماتیک لحاظ گردد، شاهد روابط فرهنگی و سیاسی بسیار

نزدیکی با همسایگان خویش خواهد بود. توجه به ریشه‌های تاریخی، ملی و فرهنگی ایران در منطقه در کنار تشابهات مذهبی به عنوان معیار ایجاد روابط حسنه با کشورهای خاورمیانه و استفاده صحیح و بهینه از قابلیت‌های مذهبی، فرهنگی، تاریخی و اجتماعی در مناسبات دو جانبه و یا چندجانبه، گسترش حوزه نفوذ قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه را به همراه خواهد داشت (هرسیچ و تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۱۸۶).

اندکی تأمل و بررسی، گویای این واقعیت است که نفوذ معنوی و جایگاه جدید منطقه‌ای ایران به نحوی است که آمریکا مجبور به پذیرش آن است. ایران زمینه‌ها و شرایط لازم برای کسب قدرت معنوی و ارتقای نصاب محبوبیت خود در میان کشورهای منطقه را فراهم ساخته است. دیپلماسی فعال کشور در چند سال اخیر به اتخاذ، احیا و تثبیت سیاست‌های خاصی دامن زده است که در مجموع می‌تواند تصویرسازی مثبت از آن در افکار عمومی بین‌المللی و منطقه‌ای و زدودن برخی ابهامات، و در یک کلام هژمونی فرهنگی، کمک شایانی کند (شرف‌الدین، ۱۳۸۴: ۵۶-۵۴). به عنوان نمونه می‌توان به سال‌های پس از اشغال عراق اشاره کرد. سفرهای مکرر رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، فعالان سیاسی و حزبی و ده‌ها تن از اعضای کابینه عراق به تهران و برعکس را می‌توان آغاز دوره‌ای جدید در روابط دوجانبه دانست. در فرصت بوجودآمده که تهدید صدام و حزب بعث از میان رفته، دو کشور در پی حل و فصل اختلافات گذشته با استفاده از منابع و مؤلفه‌های قدرت نرم توانست بر تحولات این کشور همسایه اثرگذار باشد و با کمرنگ کردن واقعیت‌های ژئوپلیتیکی و با برجسته ساختن اشتراکات تاریخی، دو کشور را به مثابه یک حوزه تمدنی تلقی کند؛ تمدنی که از عصر باستان و تمدن‌های بین‌النهرین آغاز می‌شود (هرسیچ و تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۱۸۳).

برخورداری از تمدن غنی، برخورداری از یک ایدئولوژی فراگیر، سوابق درخشان فرهنگی، هنر برتر، سیاست‌های صلح‌جویانه، برنامه‌های بشر دوستانه، کمک به کشورهای توسعه نیافته، داشتن رهبران بزرگ، پیشرفت همه جانبه اقتصادی و صنعتی، پیشرفت در علوم و فناوری و

البته قدرت نظامی مطلوب و برنامه‌هایی برای توسعه حقوق بشر و محیط زیست، همگی از جمله عواملی است که امروزه باعث افزایش قدرت نرم کشورها می‌شود. قدرت نرم ایران در اسلام، فرهنگ، تاریخ، تمدن، زبان فارسی، ارزش‌های مردم‌سالارانه، مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم و مواردی از این دست ریشه دارد. حفظ و افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران نیازمند شناخت و به کار بستن منابع نرم افزاری قدرت خود در سایر کشورها و جوامع با توجه به زمینه‌های فرهنگی و سیاسی و اجتماعی هر یک از کشورهای هدف است. بررسی وضعیت اعمال مولفه‌های قدرت نرم ایران در کشورهای منطقه خاورمیانه نشان می‌دهد که عوامل طبیعی و یا غیربرنامه‌ای، همچون مذهب اسلام، تشیع، زبان فارسی و مهاجران بیشترین سهم از منابع نرم‌افزاری قدرت جمهوری اسلامی ایران را به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل، عوامل نیازمند برنامه‌ریزی و راهبری همچون تأسیس و تقویت شبکه‌های تلویزیونی، رادیویی و اینترنتی به زبان عربی، جذب گردشگر، همکاری‌های علمی و دانشگاهی و ایجاد موسسات ایران‌شناسی و مراکز آموزش زبان فارسی در حاشیه قرار گرفته‌اند (همان، ۱۸۵).

دهشیری در کتاب دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در گفتار سوم بایسته‌های دیپلماسی فرهنگی در عرصه منطقه‌ای را به طور کامل مورد بررسی قرار داده‌اند که در اینجا به سه مورد از آن اشاره می‌کنیم:

**الف: منطقه‌گرایی دو - چند جانبه‌گرا:** بدین معنا که ضمن تأکید بر پیوند بین دوجانبه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی تلاش شود تا مسائل مربوط به همکاری‌های منطقه‌ای صرفاً در سطح دوجانبه پیگیری نشود بلکه بین دوجانبه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی بین‌المللی پیوند و تعامل برقرار گردد تا بتوان از رهگذر چندجانبه‌گرایی مؤثر و سازنده از ظرفیت همکاری‌های دوجانبه در سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی بهره بیشتری گرفت. این مهم به ویژه با توجه به اهمیت چند جانبه‌گرایی و ارتقای جایگاه مناطق در شرایط انتقالی و در حال گذار نظام

بین‌الملل «تک - چند قطبی»<sup>۱</sup> از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار گردیده است. از این رو، ایجاد بازار مشترک فرهنگی در منطقه‌ای همگن به منظور ایجاد فرصت عرضه امکانات و محصولات فرهنگی، رفع نیازهای یکدیگر و هم تکمیلی و ارتقای زمینه مشارکت با سایر جوامع منطقه‌ای و برقراری همکاری‌های سازمان‌یافته و هدفمند با سایر کشورهای جهان به ویژه در عرصه میراث فرهنگی معنوی یا ناملموس می‌تواند بستری مطلوب را برای پیوند همکاری‌های دوجانبه با همگرایی چندجانبه فراهم سازد.

**ب: منطقه‌گرایی غیرامنیتی:** بدین معنا که ضمن تلاش برای غیرامنیتی کردن فضای منطقه‌ای بر امنیت مبتنی بر حاصل جمع جبری غیرصفر تأکید شود؛ با اذعان به اینکه سیاست امنیت منطقه‌ای از بطن همکاری‌های تمدنی و مراودات فرهنگی سر بر می‌آورد، تلاش شود تا از میلیتاریزه شدن فضای منطقه و بروز تخاصم و تنش‌های قومی، فرقه‌ای و مذهبی در محیط پیرامونی جلوگیری به عمل آید. زیرا که اختلال ثبات در کشورهای همسایه عملاً به سرزمین کشور طراح نیز سرایت خواهد کرد. برای تحقق بازی برد - برد شایسته است کشورهای منطقه به مدیریت بحران‌های منطقه‌ای از طریق رفع تعارضات و تخفیف و کنترل تنش‌ها و برداشتن موانع عینی و ذهنی به ویژه سوء برداشتهای تاریخی از یکدیگر با بهره‌گیری از ابزار دیپلماسی فرهنگی و تعاملات همکاری جویانه تمدنی مبادرت ورزند، گفتمان همزیستی و همکاری را بر گفتمان خشونت و تعارض حاکم سازند و از ایفای نقش گروه‌های تکفیری یا تجزیه طلب که در منازعات منطقه‌ای و بحران‌های داخلی در صدد تصاعد بحران و ترویج خشونت هستند جلوگیری به عمل آورند.

**ج: منطقه‌گرایی مشارکت‌گرا:** بدین معنا که ضمن تأکید بر اصل "حضور منطقه‌ای" به جای "نفوذ منطقه‌ای" تلاش شود مشارکت کلیه کشورهای منطقه براساس منطق عادلانه تضمین

---

<sup>1</sup> - uni-multipolar System

شود. با توجه به تمایل جامعه جهانی به همکاری و هماهنگی و اولویت بخشی به دیپلماسی فرهنگی، شایسته است قدرت‌های منطقه‌ای چون جمهوری اسلامی ایران به منظور تصویر سازی و اثرگذاری در جریان‌سازی منطقه‌ای بر حضور نیرومند فرهنگی و تمدنی خود در منطقه و تغییر حرکت از قدرت سخت نظامی به قدرت نرم فرهنگ و ارتباطات تأکید ورزند. در این صورت است که توسعه و تحکیم همکاری قدرت‌های منطقه‌ای موجبات ارتقای نقش آنان را در رقم زدن امنیت واقعی جهانی فراهم خواهد آورد.

این مهم از رهگذر پی‌گیری گفتمان تعامل مؤثر و سازنده در پرتوی اعتدال، تدبیر و حکمت-ورزی قابل تحقق است. با توجه به اینکه ناهمترازی بین قدرت‌های منطقه یکی از منابع مناقشه و تهدید به شمار می‌آید و با عنایت به وجود قاعده‌ای نانوشته با عنوان "لاغالب و لامغلوب" در منطقه به معنای اینکه کشورهای منطقه وضعیتی را بر نمی‌تابند که در آن یک کشور به لحاظ قدرت در وضعیت غالب و سایر کشورها در شرایط مغلوب قرار داشته باشند، شایسته است به منظور کاهش عدم تعادل‌ها و نابرابری‌های رو به رشد در منطقه، علاوه بر بهره‌گیری از اشتراکات هویتی در درون تمدن اسلامی، سیاست‌های انسان دوستانه و حمایت‌گرانه مدنظر قرار گیرد (دهشیری، ۱۳۹۳: ۴۵۵-۴۵۰).

### چالش‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه

**ایران هراسی:** ایران هراسی اشاره به مخالفت یا دشمنی با سیاست‌ها، فرهنگ، جامعه، اقتصاد یا نقش بین‌المللی ایران دارد. همچنین ایران هراسی به سیاست‌هایی اطلاق می‌گردد که برای رسیدن به منافع خاص علیه این کشور با معرفی کردن ایران به‌عنوان تهدیدی برای کشوری خاص یا در شکل بزرگتر برای صلح بین‌المللی مطرح می‌گردد. ایران هراسی، برنامه راهبردی ایالات متحد و هم‌پیمانان آن است تا ایران، تهدیدی بزرگ در منطقه و همچنین تهدیدی برای

صلح و امنیت جهانی تلقی شود و با سیاست ایجاد هراس و تغییر رفتار بازیگران نظام بین‌الملل در قبال ایران به دنبال تضعیف و تخریب و به حاشیه‌راندن جمهوری اسلامی است.

**شیعه هراسی:** شیعه هراسی، هراسی است که در گام نخست توسط غرب در بستر سیاست راهبردی اسلام ستیزی در خارج از جهان اسلام، در گام دوم توسط گفتمان اسلام سنی و در گام سوم توسط گفتمان سلفی افراطی و تکفیری در درون جهان اسلام دامن زده شده و تشدید می‌شود. شیعه هراسی زیر مجموعه‌ای از استراتژی اسلام هراسی است. رسانه‌های تصویری، نوشتاری و شنیداری غرب تمرکز خاصی بر روی شیعه‌هراسی دارند و شبکه‌های عرب زبان کشورهای عربستان، امارات متحد عربی، قطر، اردن و... با غربی‌ها و صهیونیست‌ها علیه شیعه همکاری می‌کنند. هراس انگیزی در قالب شیعه‌هراسی به مهم‌ترین ابزار غرب در تقابل برانگیزی ایران با همسایگان مسلمان اهل سنت تبدیل شد است. پویایی فقه شیعی و عدم تحمل بیگانگان که در حرکت‌های ضد غربی در لبنان، عراق، بحرین و حتی عربستان نمود یافته است، غربی‌ها را بر آن داشته تا با تأکید صوری بر افتراق شیعه و سنی، ایران را عامل بیداری امت اسلام و شیعه در کشورهای همسایه این کشور قلمداد و از این مسیر، سیاست‌های ملی و سیاسی آنان را علیه ایران برانگیزد (بصیری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۶-۱۸۸).

**گسترش تروریسم:** خاورمیانه، با دارا بودن قدمتی تاریخی، برخورداری از تمدنی با سابقه و در برابری گروه‌ها و فرهنگ‌های گوناگون، دیر زمانی است که مهد زایش و تکثیر گروه‌های تروریستی و اقدامات خشونت‌آمیز این گروه‌هاست. پس از وقایع یازدهم سپتامبر نیز خاورمیانه به عنوان مرکز اصلی شکل‌گیری گروه‌های تروریستی، بیش از هر زمان دیگری در مرکز توجهات قرار گرفته است. تروریسم، تهدیدی جدی برای صلح و همگرایی ملت‌های خاورمیانه به شمار می‌آید؛ تهدیدی که تمامی مذاهب، نژادها و اقوام مختلف را هدف گرفته و هیچ گروهی از آن در امان نیست و به طور روزافزون نیز بر دامنه آن افزوده شده است. این امر نظم و ثبات سیاسی اجتماعی و پیشرفت اقتصادی کشورها را به شدت تحت تأثیر قرار



می‌دهد. همچنین رشد تروریسم، نفوذ و تبلیغ وهابیت، پان عربیسم، جهانی شدن شدن فرهنگ، نفوذ فرهنگی ترکیه در قالب نوعثمانی‌گری و همچنین نفوذ فرهنگی ایالات متحد آمریکا از دیگر چالش‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه می‌باشند (بصیری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۹).

### روند دیپلماسی اقتصادی ایران در سطح خارجی و منطقه خاورمیانه

خاورمیانه به عنوان زیرسیستم در تعاملات نظام بین‌المللی از نظر جغرافیایی در حقیقت پلی بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا محسوب می‌شود. همین مسئله سبب شده است تا به لحاظ ژئواستراتژیک در مقاطع تاریخی به کانون فعل و انفعالات بین‌المللی تبدیل شود و همواره از سوی قدرت‌های بزرگ مورد توجه قرار گیرد. برای اینکه روند دیپلماسی اقتصادی ایران در منطقه بررسی و سپس به ارزیابی عملکرد مثبت با منفی دیپلماسی پرداخته شود، مهم‌ترین متغیرهایی که در بررسی‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند میزان سرمایه‌گذاری خارجی، روابط تجاری ایران و کشورهای منطقه و میزان موفقیت دیپلماسی اقتصادی برای عضویت ایران در سازمان‌های منطقه‌ای است. شرایط و تحولات سیاسی ایران در کنار شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل و جهانی شدن اقتصاد از عواملی هستند که به همراه عدم رشد مناسب بخش‌های اقتصادی در ایران مانع از حضور گسترده و فعال آن در رقابت جهانی می‌شود. علاوه بر این‌ها، فشارهای و تحریم‌های گسترده در دو دهه گذشته از سوی کشورهای غربی بر ایران تحمیل شده توجه به مسائل اقتصادی و به کارگیری دیپلماسی اقتصادی در مناسبات تجاری را برجسته‌تر ساخته است. کیشان‌رانا (۲۰۱۳) برای موفقیت بیشتر دیپلماسی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه که از نوشته جفری ساکس الهام گرفته است بیان می‌کند آنچه برای توسعه اقتصادی در این کشورها نیاز است اینکه در کنار مشارکت نهادهای داخلی منابع

---

<sup>1</sup> Kishan S.Rana

کشورها و موقعیت جغرافیایی نیز مهم تلقی شوند. ساختار اقتصادی ایران با وجود برخورداری از شرایط بالقوه، فاقد پویایی، تحرک و انعطاف‌پذیری لازم است. از این رو مهم‌ترین عامل رونق اقتصادی یا ارتقای منزلت ایران در اقتصاد جهانی نگاهی برون‌گرایانه با هدف پیوند سنجیده و کارآمد با اقتصاد جهانی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. این امر، افزون بر تغییر بینش نخبگان سیاسی و تصمیم‌گیر در سیاست خارجی و توجه آنها به اهمیت عوامل اقتصادی در عصر حاضر نیازمند فراهم ساختن یا اصلاح ساختارهای قانونی، امنیتی و اعتباری اقتصاد ملی است (همان: ۴۷). به بیان دیگر، دیپلماسی اقتصادی می‌تواند و باید به عنوان حوزه رابط میان سیاست خارجی و داخلی عمل کند. ضرورت‌های ناشی از نیازهای داخلی در نتیجه افزایش جمعیت، کمبود منابع مکفی و از آن مهم‌تر تأمین نیازهای سرمایه‌ای و فنی ایجاب می‌کند تا در عرصه خارجی راهبردها و سیاست خارجی به گونه‌ای عمل کند تا با اتصال به منابع سرمایه بین‌المللی زمینه را برای برآوردن این نیازها مهیا کند. از این رو باید گفت سیاست داخلی و خارجی کشورها ارتباطی وثیق و ناگسستنی با یکدیگر در جهان امروز دارند؛ از یکسو نیل به سیاست خارجی موفق در گرو مساعد بودن شرایط اولیه یعنی همراهی سیاست داخلی (تغییر ذهنیت نخبگان، بسیج منابع، انسجام در رفتارها و رسیدن به یک تعریف واحد از منافع ملی) است (دامن‌پاک‌جامی، ۱۳۹۷: ۳۰۷). و از سوی دیگر مدیریت و حکمرانی کارآمد در کشور نیز یک سیاست خارجی فعال، پویا و فرصت‌ساز برای تسهیل مبادلات و ارتقای منافع نیازمند است که سود آن در نهایت متوجه سیاست داخلی و کلیت مجموعه دولت ملت خواهد شد.

مطابق آنچه در تعاریف آمده است اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی به اقتصاد ملی کشور هدف، باعث ارتباط آنها و در نهایت به افزایش روابط تجاری و سرمایه‌گذاری فزاینده منجر می‌شود. بنابراین با توجه به اینکه منابع ملی در شرایط آشفتگی اقتصادی به خوبی نمی‌تواند پاسخگوی مسائل مختلف باشد، جذب سرمایه‌گذاری خارجی اهمیت بیشتری نسبت به گذشته نیاز پیدا

خواهد کرد. از طرفی معمولاً مکان‌هایی که از نظر ریسک پذیری در سطوح بالایی هستند سرمایه‌ها جذب نمی‌شوند و سرمایه‌گذاران بسیار محتاط عمل می‌کنند (باس و هافکر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۴۰۰). آمارهای آنکتاد گواه این مطلب است که حجم سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران دستخوش تغییرات بسیاری است. این آمارها نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ روند نزولی داشته و پس از آن تا سال ۲۰۱۲ با شیب ملایمی افزایش یافته و در سال ۲۰۱۳ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران رشد منفی داشته است (ارغوانی پیرسلامی و اسمعیلی، ۱۳۹۷: ۸۱). همچنین تراز تجاری که شاخص دیگر روابط اقتصادی است به نوعی بیانگر کارآمدی یا ناکارآمدی سیاست‌های تجاری کشورهاست، اگرچه در سال‌های بعد از ۲۰۱۳ روندهای رو به رشدی هم دیده شده اما همین افزایش واردات در مقابل کاهش صادرات به ویژه در روابط اقتصادی ایران و اعضای شورای همکاری خلیج فارس مانند امارات و عربستان خود نشان‌دهنده ضعف در ایجاد روابط تجاری دو سویه و نیز نبود یک دیپلماسی اقتصادی کارآمد برای ایران بوده است. مهم‌ترین ضعف ایران در برقراری روابط تجاری با همسایگان خود در منطقه علاوه بر اختلافات سیاسی، متنوع نبودن کالاهای صادراتی یا عرضه کالاهایی که زمینه جذب همسایگان را فراهم نمی‌کند (کامت و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵: ۲۹۸). افزون بر شاخص‌های اقتصادی که همگی حاکی از ضعف دیپلماسی و روابط اقتصادی ایران با کشورهای منطقه است در حوزه سازمان‌های منطقه‌ای نیز چالش‌های متعددی وجود دارد. علاوه بر اینکه این منطقه تاکنون نتوانسته سازمان منطقه‌ای فراگیر با رویکرد توسعه محور و اقتصادی را شکل دهد معدود نهادهای موجود نیز در این منطقه فاقد کارایی بوده‌اند. شورای همکاری خلیج فارس دچار چالش‌های ساختاری درونی و اختلاف میان اعضا بوده و عملاً نتوانسته از حوزه صرف تهدید محور خود را برهاند. ضمن اینکه این شورا ایران را به مثابه یک تهدید وجودی تلقی می‌کند و در نتیجه بیشتر بر نگاه امنیتی متمرکز

<sup>1</sup> Busse and Hafeker

<sup>2</sup> Cammett and etal

است تا پذیرش ایران به عنوان یک عضو (نژاد<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). اکو سازمان منطقه‌ای نیز یا چالش‌های متعددی همچون عدم اولویت داشتن برای اعضا، فقدان تمرکز موضوعی و اهداف متفاوت اعضا برای همکاری با آن مواجه است. مجموعه این روندها حاکی از آن است که دیپلماسی ایران در این منطقه با چالش‌ها و موانعی جدی روبه‌رو است (ارغوانی پیرسلامی و اسمعیلی، ۱۳۹۷: ۸۴).

### روند تأثیر تحریم بر اقتصاد در سطح داخلی کشور

اقتصاد ایران در دهه سوم انقلاب به دلیل تشدید تحریم‌ها از سوی کشورهای خارجی (در جهت رسیدن به اهداف خود) با شرایط بحران اجتماعی مواجه شد که این شرایط را می‌توان با بررسی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی به در این دوره به وضوح دید. در این دوره، کشور تحت فشار تحریم‌ها با مشکلاتی همچون تورم بالای ۲۰ درصد، رکود اقتصادی، کاهش تولید ملی، کاهش صادرات نفت، میزان بالای بیکاری، میزان بالای بدهی دولت به بانک مرکزی، بلوکه شدن دلارهای نفتی ایران از سوی کشورهای غربی، صعود نجومی قیمت مسکن، دلار و طلا و کاهش ارزش پول ملی در برابر ارز خارجی، کاهش ازدواج و بالارفتن سن ازدواج جوانان، مهاجرت به خارج به خاطر دستیابی به اشتغال، کاهش رشد ملی و افزایش طلاق... مواجه بود. مجموعه این مشکلات که از یکسو ناشی از عدم انطباق الگوهای توسعه وارداتی، کاربست نادرست آنها و از سوی دیگر نیز برابند فشارهای خارجی برای متزلزل ساختن اقتصاد ایران بود، باعث شد تا سیاستگذاری کلان کشور به طرح راهبردهای جدید و کارآمدی برای تحکیم اقتدار ملی در منطقه و جهان ترغیب شود (سمعی اصفهانی و حبیبی، ۱۳۹۴: ۶۰). از آنجا که حرکت اقتصاد ایران در این سال‌ها عمیقا به رفتار دولت و بخش‌های دولتی متأثر بوده است و دولت عملا نقش اصلی و محوری را در تصمیمات و

<sup>1</sup> Nejad

اقدامات مربوط به اقتصاد ایفا کرده است لذا نظام جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر بر مبنای آمار و ارقام کمترین تعامل اقتصادی را در منطقه داشته است (مرکز مطالعه سیاسی، ۱۳۹۴: ۴). برخی موانع و مشکلات فنی در ساختار اقتصادی و نظام تصمیم‌گیری ایران وجود دارند که در ایجاد تعاملات اقتصادی و تجاری ایران با خارج و پیشبرد اهداف سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی موانعی جدی ایجاد کرده‌اند. مهم‌ترین این موانع در محیط داخلی برای دیپلماسی اقتصادی ایران عبارتند از: مشکلات ساختاری نظام بانکی کشور، اقتصاد دولت محور در برابر بخش خصوصی ضعیف و ضعف رقابت‌پذیری اقتصاد ایران، ضعف قوانین و مقررات داخلی در حمایت از دیپلماسی اقتصادی و تلقی وجود تقابل بین محیط داخلی و خارجی در عرصه تعاملات اقتصادی. به این فهست می‌باید نقش منازعات سیاسی و جناحی و چالش ساختار-کارگزار دیپلماسی اقتصادی را نیز اضافه کرد. (دامن پاک جامی، ۱۳۹۷).

مشکلات ساختار نظام بانکی: علیرغم گشایش‌های بانکی ایجاد شده پس از برجام، در بسیاری از حوزه‌های اقتصاد داخلی به خصوص حوزه بانکی، مشکلات فنی و اجرایی جدی وجود دارند. بسیاری از این مشکلات ارتباطی به تحریم نداشته و صرفاً به دلیل دور بودن سیستم مالی کشور از تحولات شگرف در مقررات بانکی بین‌المللی به وجود آمده‌اند ولی به دلیل تحریم‌ها ضرورت و عجله‌ای در حل و فصل آنها وجود نداشته و با رفع تحریم‌ها مجدداً برجسته شده‌اند (دومین گزارش اجرای برجام ۱۳۹۵/۴/۲۶).

اقتصاد دولت‌محور در برابر بخش خصوصی ضعیف: در حالی که یکی از بازیگران اصلی دیپلماسی اقتصادی در صحنه اقتصاد بین‌الملل شرکت‌ها و بنگاه‌های غیردولتی هستند و خودمختاری اقتصادی دیگر بازیگران در کنار دولت‌ها از ویژگی‌های مهم دیپلماسی اقتصادی محسوب می‌گردد، بازیگر غالب در عرصه دیپلماسی اقتصادی ایران از دوران سازندگی تاکنون با توجه به ماهیت اقتصاد ایران همچنان بخش دولتی است. اقتصاد قدرتمند دولت محور و بخش خصوصی ضعیفی که دولت را بزرگ‌ترین رقیب خود در فعالیت‌های اقتصادی می‌بیند

و از طرفی کمترین سهم را در اقتصاد داخلی دارد، از توان رقابتی اندکی در صحنه بین‌المللی نیز برخوردار است. اولین و مهم‌ترین پیامد کارگزاری و کنترل دولت در شرکت‌ها و مؤسسات دولتی خروج نظم اقتصادی از وضعیت رقابتی به وضعیت غیررقابتی و غیربازاری است. این وضعیت باعث می‌شود که اقتصاد غیررقابتی ایران به دلیل ناسازگاری و ناهمگنی با منطق اقتصاد جهانی، فرصت و امکان مشارکت مؤثر در آن را به دست نیارود (سلیمانی پورلک، ۱۳۹۵: ۳۳۵).

مشکلات در قوانین و مقررات داخلی ناظر بر روابط اقتصادی خارجی: یکی از ضرورت‌ها و نیازهای اساسی در زمینه تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی در کشور و تجارت کالا و خدمات، توجه به مباحث حقوقی و موانع قانونی است که در این حوزه‌ها وجود دارد. به باور بسیاری از فعالان و صاحب‌نظران اقتصادی، زیرساخت‌های اقتصاد ایران به خصوص در حوزه قوانین و مقررات برای پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی مناسب نیستند. به زعم فعالان بخش خصوصی، وقتی بسترهای داخلی مهیا نیست و برای اعطای مجوز فعالیت اقتصادی به حدود دو هزار اعلام نیاز داریم، فایده‌ای ندارد اولویت را به دیپلماسی اقتصادی بدهیم یا مشوق‌هایی برای جذب سرمایه خارجی بگذاریم (مصاحبه روزنامه شرق با شرفی، ۲ شهریور ۱۳۹۵). تلقی وجود تقابل محیط اقتصادی داخلی و خارجی: گسترش فرآیند جهانی شدن در دهه‌های اخیر خط پایانی بر تمایز میان سیاست داخلی و سیاست بین‌المللی کشیده و ضمن افزایش پیچیدگی‌های دیپلماسی اقتصادی، آن را به عرصه تصمیم‌گیری‌های داخلی وارد کرده است (بایان و ولکوک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱: ۱۱).

نقش و تأثیر منازعات سیاسی داخلی بر دیپلماسی اقتصادی: یکی از مشکلات اصلی سیاست خارجی ایران، کشانده شدن موضوعات مهم و حساس آن به عرصه مناقشات جناحی، تریبون‌های غیر رسمی و مباحثات افراد و گروه‌ها در کف خیابان‌ها است. این مساله باعث شده تا

<sup>1</sup> Bayne, Woolcock

موضوعات مهم کشور قبل از آن که در بخش‌ها و نهادهای تخصصی ذریبط به بحث گذاشته شده و به تصمیمات کارشناسی منجر شود، در کانون منازعات سیاسی داخلی قرار گیرد. موضوعات متعددی را می‌توان در این رابطه مورد اشاره قرارداد. ما شاید یکی از جنجالی‌ترین و پر تنش‌ترین موضوعات یک دهه اخیر سیاست داخلی و خارجی کشور مساله هسته‌ای است. مروری بر دیدگاه و مواضع هر یک از دو گروه موافقان و مخالفان دولت در جریان مذاکرات هسته‌ای منتهی به برجام و پس از آن می‌تواند تصویر بهتری از میزان این تأثیرگذاری را نشان دهد.

چالش ساختار کارگزار در اجرای دیپلماسی اقتصادی: با توجه به بحث‌های پیشین، تردیدی وجود ندارد که دیپلماسی اقتصادی نیازمند تخصص و دانش اقتصادی از سوی دیپلمات‌ها می‌باشد. دیپلمات‌های اقتصادی، افراد حرفه‌ای هستند که ضمن آشنایی با اصول و مبانی بنیادین اقتصاد سیاسی و شناخت کافی از اقتصاد و ظرفیت‌های اقتصادی کشور خود، بتوانند با بهره‌گیری از ابزارها و روش‌های دیپلماتیک نوین، اهداف و منافع اقتصادی کشور را محقق سازند. در جمهوری اسلامی ایران علیرغم تأکید بر اهمیت دیپلماسی اقتصادی به ویژه در دو دهه گذشته، کارگزار دیپلماسی اقتصادی به معنی واقعی نداشته‌ایم. علیرغم برخی تغییرات ساختاری در وزارت خارجه در جهت افزایش توجه به امور اقتصادی در برخی از مقاطع مثل دولت اصلاحات و دولت دوازدهم، این وزارتخانه از کمبود شدید دیپلمات‌های اقتصادی حرفه‌ای یا دیپلمات‌های کل‌گرای آموزش دیده در زمینه مسائل اقتصادی رنج می‌برد(دامن- پاک‌جامی، ۱۳۹۷: ۴۰-۴۲).

### برون رفت از بحران اقتصادی و ایده اقتصاد مقاومتی:

در نهایت از آنجا که از جمله راهکارهایی که رهبر معظم انقلاب برای مقاومتی شدن اقتصاد ایران پیشنهاد کرده‌اند مردمی‌سازی اقتصاد است. آنچه در موضوع اقتصاد مردمی به نظر

می‌رسد تسهیل ورود همه اقشار مردم به حوزه اقتصاد و زمینه‌سازی برای بردوش گرفتن امور اقتصادی به صورت کاملاً خود جوش توسط آحاد مردم است و در صورت تحقق این امر اقتصاد کشور به حرکت در می‌آید و دستیابی به اهداف آن به رغم وجود موانع ممکن می‌شود. لذا مسئولان در ترسیم راهبردهای سازندگی و توسعه نظام سیاسی و اقتصادی و اجتماعی باید به نقش مؤثر و کارساز مردم و در حرکت تعاملی نظام و بهره‌وری از این پشتوانه عظیم غفلت نکنند و برای شکوفا کردن توانمندی‌های مثبتشان از وجود کارشناسان کارآزموده، روشنفکران و اندیشمندان بهره‌جست.

در مجموع اقتصاد مقاومتی دارای چهار اصل اساسی است:

(۱) اقتصاد موازی: این الگو در مدل‌های حکمرانی مرسوم در دنیا و واقعا در کشورهایی که از تجربه و توان حکمرانی بیشتری برخوردار باشند، وجود دارد و این کشورها از نظام‌های چند لایه سیاستگذاری و اداره امور عمومی برخوردارند.

(۲) اقتصاد ترمیمی: اصل دوم از اقتصاد مقاومتی به دنبال «مقاوم سازی»، «آسیب زدایی»، «خلل گیری» و «ترمیم» ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است.

(۳) اقتصاد دفاعی: اصل سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه «هجمه شناسی»، «آفندشناسی» و «پافندشناسی» ما در برابر آن هجمه است؛ بنابراین وقتی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و براساس آنها، استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم.

(۴) اقتصاد الگو: چهارمین اصل نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی، یک رویکرد کوتاه مدت سلبی و اقدامی صرفاً پندافندی نیست؛ این اصل، چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دراد و یک اقدام بلند مدت را شامل می‌شود. این اصل رویکردی ایجابی و دوراندیشانه دارد.

مولفه‌ها و ابعاد چندگانه مفهوم اقتصاد مقاومتی به شرح زیر است:



- ۱- مردمی کردن اقتصاد (بازتعریف نقش دولت و مردم در امر اقتصاد)؛
- ۲- اقتصاد بومی (مبتنی بر فرهنگ اسلامی - ایرانی)؛
- ۳- اقتصاد خلاق، کارآفرین و دانش بنیان؛
- ۴- به کارگیری مدیریت نوین اقتصادی ( در زمینه‌های مصرف و منابع اعم از مالی، انسانی و طبیعی)؛
- ۵- بهره‌گیری حداکثری از امکانات و ظرفیت‌های موجود و حمایت از تولید ملی؛
- ۶- پایه‌گذاری اقتصادی جهاد گونه و مقاوم در برابر بحران‌های جهانی ( اقتصادی منعطف در مواجهه با شرایط متغیر و همزمان مقاوم در برابر تهدیدها و بحران‌ها) (سمیعی اصفهانی و حبیبی، ۱۳۹۴: ۶۳-۶۲).

#### نتیجه‌گیری:

بی‌تردید خاورمیانه امنیتی‌ترین منطقه در سطح نظام بین‌المللی است. تهدیدهای امنیتی که در این منطقه وجود دارد ناشی از موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود منطقه خاورمیانه است. بر این اساس توجه کشورهای جهان به خصوص قدرت‌های بزرگ را به خود جلب کرده است و از آنجا که کشور ایران از نظر ژئوپلیتیک در موقعیت ممتازی واقع شده است آن را به بروز تهدیدهای امنیتی و بحرانی‌ترین مناطق جهان مبدل کرده است. حضور آمریکا و قدرت‌های فرامنطقه‌ای گسترش روابط بین کشورها را با مشکلاتی روبه‌رو ساخته است زیرا مداخلات این قدرت‌های فراملی در منطقه جایی برای شکل‌گیری همکاری اقتصادی در منطقه باقی نمی‌گذارد. با بی‌اعتمادی شکل گرفته در بین کشورهای منطقه و امنیتی کردن فضای خاورمیانه کشورها نمی‌توانند در خصوص مسائل اقتصادی به هم خوشبین باشند، اعتمادی که برای انجام قراردادهای اقتصادی و سرمایه‌گذاری و امنیت سرمایه بسیار ضروری است. از سویی دیگر خاورمیانه گستره نفوذ فرهنگ و تمدن ایران بوده و است و چنانچه با درایت

و سازماندهی بیشتری این نکته در معاملات سیاسی و دیپلماتیک لحاظ گردد شاهد روابط فرهنگی و سیاسی بسیار نزدیکی با همسایگان خویش خواهد بود. توجه به ریشه‌های تاریخی، ملی و فرهنگی ایران در منطقه در کنار تشابهات مذهبی به عنوان معیار ایجاد روابط حسنه با کشورهای خاورمیانه و استفاده صحیح و بهینه از قابلیت‌های مذهبی و فرهنگی تاریخی و اجتماعی در مناسبات دوجانبه و یا چندجانبه، گسترش حوزه نفوذ و قدرت نرم جمهوری اسلامی در خاورمیانه را به همراه خواهد داشت. در بعد منطقه‌ای راهبرد قدرت نرم ایران در قبال کشورهای همسایه عمدتاً مبتنی بر بهره‌گیری و تأکید بر اشتراکات مذهبی، تاریخی و فرهنگی است. همچنین تداوم برنامه‌محور تنش‌زدایی در سیاست خارجی، تشکیل ستاد مرکزی دیپلماسی اقتصادی برای تنظیم دستورکارها و تعیین دقیق مسئولیت نهادهای دخیل و حذف ستادهای موزای و ناکارآمد و تقویت اقتصاد تولیدی و غیر نفتی و تسری آن به بخش‌های منطقه‌ای می‌تواند در ایجاد روابط فرهنگی و رفع چالش‌های فرا روی دیپلماسی اقتصادی مفید به فایده باشد.

### منابع

- اژدری، لیلا، فرهنگی، علی اکبر، صالحی امیری، سیدرضا، سلطانی فر، محمد (۱۳۹۶). مدل دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، دوره ۱۸، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۶، صص ۶۷-۱۰۲.
- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز، اسمعیلی، محدثه (۱۳۹۷) چالش‌ها و موانع دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیس و ششم، شماره ۹۷، صص ۷۱-۱۰۵.
- بصیری، محمدعلی، افشاری، عبدالرحمن، باوند، موسی (۱۳۹۵)، بررسی و تبیین چالش‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۱۲، صص ۱۷۵-۲۰۵.
- حاجیانی، ابراهیم، ایرانشاهی، حامد (۱۳۹۳) درآمدی بر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- دفتر مطالعات سیاسی (۱۳۹۴). الزامات تقویت دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در شرایط تحریم، معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی.
- دهشیری محمد رضا (۱۳۹۳). دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، نشر علمی و فرهنگی، تهران.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، خرمشاد، محمدباقر، رستگاری، محمدحسین (۱۳۹۴) مولفه‌های کلیدی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۳۲، صص ۳-۲۴.

۱۴۰ تحلیل عملکرد دیپلماسی اقتصادی و دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه  
در شرایط تحریم اقتصادی

---

- دامن پاک جامی، مرتضی (۱۳۹۷). تحول دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران. بررسی دستاوردهای چهار دهه گذشته و چالش‌های پیش‌رو، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۳۲، شماره ۴، صص ۹۱-۱۵۸.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۰). الزامات دیپلماسی فرهنگی ایران، ماهنامه سیاسی تحلیلی همشهری دیپلماتیک دوره جدید، شماره ۵۸.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا، حبیبی، فاطمه (۱۳۹۴). نظریه پسا توسعه و الگوی اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد مقایسه‌ای، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هجدهم، شماره ۶۶، صص ۵۱-۷۳.
- سادات اخوی، سیدمحمد، حسینی، سیدشمس‌الدین (۱۳۹۶). ارزیابی تأثیر تحریم اقتصادی بر تورم اقتصادی ایران، فصلنامه اقتصاد کاربردی، دوره ۷، شماره ۲۱.
- سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۳۹۵). چالش‌ها و ضرورت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران و الزامات آن در حوزه سیاست خارجی، فصلنامه علمی پژوهشی مجلس و راهبرد، زمستان ۲۳ (۸۸)، صص ۳۲۵-۳۵۸.
- شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۸۴). قدرت نرم آمریکا و ایران، فصلنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۳۱ پاییز.
- علیخانی، حسین (۱۳۸۰). تحریم ایران شکست یک سیاست، مترجم محمدمتقی نژاد، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- عراقچی، سیدعباس، جنتی‌محب، فائزه (۱۳۹۶). دیپلماسی فرهنگی و تأثیر آن بر روابط سیاسی و اقتصادی کشورها، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره بیست و ششم، صص ۱۵-۴۹.

- فدائی، مهدی درخشان، مرتضی (۱۳۹۳). تحلیل اثرات کوتاه مدت و بلند مدت تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۱۱۳-۱۳۲
- کازرونی، سیدعلیرضا، خضری، اوین (۱۳۹۷). فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و پنجم، شماره نود و سه، صص ۳۹۳-۴۲۰
- میراحمدی، سید محمود (۱۳۹۳). تحریم‌ها و تأثیر آن بر کسب و کار در ایران، مجله اقتصادی، شماره ۳ و ۴ خرداد و تیر، صص ۲۷-۴۲
- محمدزاده میری، مهدی (۱۳۸۴) تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس: بررسی موردی عربستان سعودی، رساله ارتقا مقام به رایزن یکمی، وزارت امور خارجه، اداره کل آموزش و توسعه نیروی انسانی.
- وصالی، ساناز، ترابی، مهنوش (۱۳۸۹). اثرات تحریم بانک‌ها بر اقتصاد و سیستم بانکی، فصلنامه بانک و اقتصاد، شماره ۱۱۱، صص ۳۸-۴۴
- هرسیچ، حسین، تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۸) مقایسه میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا در خاورمیانه، دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان صص ۱۶۹-۲۰۳
- Busse, M. and C. Hefeker (2007) "Political Risk, Institutions and Foreign Direct Investment", European Journal of Political Economy, Vol. 23.
- Bayne, Nicolas and Stephan Woolcock (2011). Third Edition. The New Economic Diplomacy: Decision Making and Negotiation in International Economical Relations. 2nd Edition. Aldershot: Ashgate
- Cammett, Melani and et al. (2015). A Political Economy of Middle East, Westview Press.

- Linderman, Michelle, Reema Shour and Chisholm Alex (2007). "International Trade Sanctions against Iran an Overview", International Law Firm.
- Nejad, Ali Fathollah (2017). "Facing Big Political Challenges", (observed: 8/2/2018) at: <https://www.brookings.edu/blog/markaz/2017/12/06/facing-bigpolitical-challenges-this-weeks-gulf-cooperation-council-meeting-fell-flat/>
- Nye, Joseph S(2007), Public Diplomacy and Soft Power, The Annals of the American Academy of Political and Social Science, 2007.
- Rana, K. (2013)."Economic Diplomacy: What Might Best Serve a Developing Country?", International Journal of Diplomacy and Economy, Vol. 1, Nos. 3-4.